

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

سه‌شنبه ۹ شهریور ۱۳۸۹ - ۳۱ اوت ۲۰۱۰

علیه فراموشی!

به یاد جانبختگان کشتار 1367 در زندانهای جمهوری اسلامی

در تابستان سال 1367 آیت اله خمینی رهبر جمهوری اسلامی، در پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق، پس از نوشیدن جام زهر و به بهانه عملیات ماجراجویانه "فروغ جاویدان"، با شیوه ای ددمنشانه، فرمان به قتل عام زندانیان سیاسی داد. با صدور این حکم جنایتکارانه، مجریان تبه کار حکومت، جنون آسا دست به کار شدند و در کمتر از دو ماه، سیلی از خون به راه انداختند و چندین هزار تن از زندانیان سیاسی را، که عموماً در بیدادگاههای همین رژیم به حبس محکوم شده بودند، به کام مرگ کشاندند.

جنون خونریزی چنان ابعاد بی خود گرفت که حکومت برای حمل قربانیان به گورستان، با کمبود امکانات مواجه گشت. راز این کشتار، در جریان خاکسپاری آنان در گورهای دسته جمعی خاوران، برای خانواده جانبختگان بر ملا گشت. و از این طریق خبر این فاجعه، منتشر شد. این خبر در داخل کشور توسط حکومت مخفی نگه داشته شد و آنجا هم که به همت خانواده جانبختگان، فعالان سیاسی و مدنی و رسانه های خارجی انعکاسی یافت، تیغ سرکوب و ارباب حکومت، مانع شعله ور شدن اعتراض و کاستن از دامنه کشتارها شد. در خارج کشور اما، خبر فاجعه چون شمع در تاریکی تا حدی منعکس شد، هر چند که اعتراضات اپوزیسیون، در قیاس با ابعاد فاجعه پراکنده و کم دامنه بود.

جمهوری اسلامی از همان نخستین روزهای به قدرت رسیدنش تا کنون کم جنایت نکرده است. اما کشتار زندانیان در زندان ها با دیگر جنایات و حتی با کشتارهای سال شصت، که معترضان را پس از دستگیری بدون محاکمه به جوخه مرگ می سپردند، متفاوت است. قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان 1367 چنان زشت و وحشیانه است که سردمداران اصلی حکومت، سخنی از آن به میان نیاورده اند. گوئی ابعاد فاجعه و عمق این جنایت به حدیست که مجریان را نیز به انکار فاجعه وا داشته است. حتی در دوره هشت ساله اصلاحات، که فضای سیاسی تا حدی باز شد

و بحث‌ها و جدل‌ها به بسیاری از ناگفته‌ها هم کشیده شد، این موضوع همچنان تابو ماند و از پرداختن به آن، دوری گزیده شد. تنها کسی که از میان حکومتگران صدای اعتراض خود را بلند کرد آیت‌الله منتظری بود. او در همان روزهای نخست شروع کشتار، به بهای از دست دادن تمام امتیازات خود، شجاعانه طی نامه‌ای به خمینی به این کشتار، اعتراض نمود و صف خود را تا هنگام مرگ از جانیان حاکم جدا کرد و یادگاری نیک از خود به جای گذاشت.

از تابستان سال 1367 تا به امروز مبارزه خانواده جانبختگان، زیر تیغ سرکوب حکومت با دشواری‌های بسیار ادامه داشته است. در طی این 22 سال، خانواده‌ها از هر امکان ناچیزی استفاده کرده‌اند تا صدای اعتراضشان را به گوش مردم ایران و سراسر جهان برسانند. همچنین در این مدت فعالان سیاسی و حقوق بشری در داخل و خارج از ایران با بزرگداشت خاطره جانبختگان، نگذاشته‌اند این جنایت هولناک به فراموشی سپرده شود. در نتیجه این مبارزات، امروز توجه فزاینده نهادها و سازمانهای بین‌المللی به جنایاتی که در زندانهای ایران در سال 1367 رخ داده، جلب شده است و امکان اثر بخشی مبارزات خانواده‌ها و معترضان به این قتل عام را بیشتر کرده است. این مبارزات مانع از آن شده است که رژیم جمهوری اسلامی بتواند به هدف خود مبنی بر بستن پرونده قتل عام 1367 دست یابد. جمهوری اسلامی طی این سال‌ها هر چه در توان داشته به کار بسته است تا این جنایت پنهان بماند. نگرانی و ترس از بر ملا شدن بیش از پیش حقایق، حکومت جمهوری اسلامی را به این خیال باطل کشانده است تا با تخریب خاوران، اثر انگشت خود را در این جنایت پاک نماید. از اینروست که در دو ساله اخیر توجه به خاوران را دو چندان کرده است. هرازگاهی به بهانه درختکاری، خاک خاوران را شخم می‌کند. از رفتن خانواده جانبختگان به خاوران جلوگیری می‌نماید. مانع گرفتن مراسم بزرگداشت برای آنان می‌شود. بستگان جانبختگان را احضار و تهدید و دستگیر می‌کند و ... اما به رغم این همه خشونت و سرکوب، پرونده این فاجعه باز مانده است و بدون شک تا محاکمه علنی تمامی دست‌اندرکاران این جنایت در یک دادگاه صالح، باز خواهد ماند.

جنبش اعتراضی و ضد استبدادی مردم ایران در طی 14 ماهه اخیر بسیاری از مسائل را دستخوش تغییر نموده است. در نتیجه سر برآوردن این جنبش است که برای اولین بار برخی از حکومتیان در باره کشتار 1367 لب به سخن گشوده‌اند و وادار شده‌اند سکوت خود را بشکنند. زمزمه ماجرای آن جنایت بزرگ، بر زبان مسئولان سابق جاری شده و دارد به گوش‌ها می‌رسد. شکستن سکوت برای دستیابی به حقیقت این کشتار، بسیار اهمیت دارد. برای شناخت ابعاد فاجعه و درس‌آموزی از

آن و با هدف جلوگیری از تکرار آن، در درجه نخست اهمیت دارد حقیقت به تمامی، روشن شود. هر نوری که به این تاریکخانه افشانده شود، گامی ما را به هدف نزدیک می کند. کشتار 1367 دمل چرکینی است که باید با یک نیشتر سرباز کند. پرونده ایست که باید بالاخره زمانی گشوده شود. این پرونده را نباید تنها به نام خمینی ثبت نمود. این پرونده، پرونده نظامی است که دیروز آن کشتارها را به راه انداخت، امروز هم در کهریزک جنایت می کند. نظامی که در آن، نه تنها این جنایات مطرود نیست، سخن گفتن در باره آن جرمی نابخشودنی است. نظامی که به دست اندرکاران و مجریان این جنایت و کشتار ارج نهاده، ارتقا مقام می دهد. نظامی که به هیچکس رحم نمی کند. در داخل کشور تیغ را بر گردن مردم نهاده و جان آنان را در راه منافع خود قربانی می کند و در مناسبات با جهان، ماجراجویانه، هستی ملتی را در معرض تهدید و نیستی قرار داده است.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران ضمن گرامی داشت یاد همه مبارزان راه آزادی به ویژه رهبران، اعضا، فعالان و یاران و همراهانی از سازمان ما که در راه آزادی و عدالت در کشتار جمعی سال 1367 جان باختند، با خانواده و بستگان آنان ابراز همبستگی می نماید و بار دیگر بر پیمان دیرینه خود، برای پیگیری محاکمه دست اندرکاران اصلی این جنایت پای می فشارد. ما معتقدیم که یکی از معیارهای دفاع از آزادی و دموکراسی و حقوق بشر در ایران، محکوم کردن قتل عام زندانیان سیاسی در سال 1367 و پشتیبانی از مطالبات قانونی خانواده های آنان است.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران بر این باور است که آنچه در تابستان 1367 در زندان های ایران رخ داد، جنایتی است که در عرف مراجع و نهادهای مدافع حقوق بشر و نیز حقوق بین الملل، جنایت علیه بشریت نام گذاری شده است. از اینرو هر اقدامی که به روشن کردن ابعاد این فاجعه کمک کند، مثبت دانسته و از هر گامی که در این جهت و برای سپردن جنایتکاران به دست عدالت برداشته شود، پشتیبانی می کند.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

شهریور 1389